

لکه که از آب دهان تشکیل شده خاکستری - سفید یا زرد رنگ است پارچه را آهاری کرده و حواشی آن واضح نیست امتحان میکروسکپی لکه مذکور که در آب مقطر گذارده شده باشد سلول های پوست و ترشحات غدد جهاز تنفسی و میکروب های مخصوص، دهان *Les Spirilles de la bouche* و ذرات غذائی را نشان میدهد .

مجرمین برای بردن اموال صاحبخانه یا صاحب مغازه غالباً بفکر میافتمند که دست و دهان او را بسته و پنبه در دهان او بگذارند که موفق بفریاد نشده و نتواند بخارج رفته و مأمورین پلیس را خبر نماید در این قبیل موارد دستمال و پنبه را که ادعا شده است بوسیله آنها دهان مجنی علیه بسته شده تحت دقت قرار داده میشوند ولی باید متذکر بود که غالب اشخاص مقروض برای نپرداختن دین خود یا کسانیکه در قمار اموال خود را باخته و میخواهند بزن خود یا دیگران امر را مشتبه نمایند دست و دهان خود را بسته و بگوشه اطاقی خود را میاندازند که پس از رسیدن اهل خانه چنین وانمود شود که دزدی وارد خانه شده دست و دهان او را بسته و پولهایش را برده است .

ترشحات ریوی لکه های سفید یا خاکستری رنگی بشکل شوره سر را تشکیل داده که حواشی آن مفرس میباشد در زیر میکروسکب سلول های مربوط پیوست داخلی جهاز تنفسی و میکروبهای مختلفه دیده میشود .

ترشحات بینی لکه های خاکستری رنگی هستند که گاهی هم رنگ زرد بخود میگیرند مخلوط با گرد و غبار هوا برنگ سیاه در میآیند امتحان میکروسکپی سلول های هرمی شکلی را که در حفره بینی جادارند و همچنین سلول های مربوط پیوست داخلی بینی و میکرب های مختلفه و ذرات ذغال را نشان میدهد .

ترشحات رحم لکه های بزرگ زرد رنگی هستند با حواشی واضح و پیچ و خم دار که پارچه را آهاری می دهند با قشرهائی برنگ سفید و زرد و سبز امتحان میکروسکپی سلول های رحمی بشکل لوزی و کروی و گلوبول های چرک را نشان میدهد ترشحات مجرای پول و پرستات لکه های گرد خاکستری یا زرد رنگی هستند که در زیر میکروسکب سلولهای پوست داخلی مجری را مشاهده نموده و ممکن است چند اسپرمانزئیدی نیز همراه داشته باشند . دکتر ملک اسمعیلی

شرایط تشکیل عقد و نکاح

مقایسه بین حقوق ایران و فرانسه و فقه اسلامی

مقایسه نموده اند - ولی نباید آن دو را باهم اشتباه نمود زیرا «شبه نکاح» همانا رابطه نسبتاً ثابتی بین زن و مرد است که تا اندازه شبیه بزناشویی بوده ولی موجد علقه زوجیت قانونی نمیشد پس ظاهراً و در عمل «شبه نکاح» فرنی بازناشویی ندارد اما از نظر قانونی با آن قابل مقایسه نمیشد زیرا منشاء هیچگونه اثر حقوقی نبوده و از این لحاظ نه حقی بین زن و مرد ایجاد میکند و نه تکلیفی - بقبول پرفسور «پلاننیول» و پرفسور «رمپیر» شبه نکاح عمل است نه عقد و لذا تشریفات معینی نداشته دارای اثر قضائی هم نیست یعنی بکلی خارج از قانون میباشد

III تطبیق نکاح منقطع در حقوق ایران با «کنکو بنیاز»

با «شبه نکاح» (۱) در حقوق فرانسه ورم «شبه نکاح» عبارت از آمیزش غیر قانونی بین زن و مرد میباشد از لحاظ اینکه «کنکو بنیاز» معمولاً دوام زیادی نداشته و با کمال سهولت یعنی بدون انجام تشریفات متعددی پایان پذیر است آنرا با نکاح منقطع

(۱) برای ترجمه لفظ *Concubinage* و *Concubinage* کلمه فارسی خالصی به نظر نرسید - گرچه لفظ «شبه نکاح» تا اندازه مفید مقصود میباشد ولی هرگاه خوانندگان گرامی کلمه بسیطی برای آن پیدا کنند نگارنده را سپاس گذار خواهند فرمود

در حقوق فرانسه «شبه نکاح» بین زن و مردی که با هم رابطه زناشویی ندارند فقط در مورد زبای محصنه و زنای با محارم و فریب صغیر نامشروع ولی در غیر صور نامبرده «شبه نکاح» منع نگردیده است و حتی در ظرف چند سال اخیر تکاملی دیده میشود که میخواید بعضی از آثار حقوقی نکاح را بر آن بار کنند مثلاً همانطوریکه در مورد نکاح زن فرانسوی از نظر تامین مایحتاج زندگی و کیل قانونی شوهر خود میباشد و هر چه برای این منظور خریداری نماید بحساب شوهرش برده میشود در مورد «شبه نکاح» هم حکم بالا جاری است گذشته از این ولد الزنا اعم از اینکه نتیجه رابطه انقادی بین زن و مرد باشد یا اینکه از «شبه نکاح» بوجود آمده باشد از ابوبن خود ارث میبرد منتهی سهم الارث وی کمتر از سهم الارث فرزند مشروع خواهد بود

بین «شبه نکاح» در فرانسه و نکاح منقطع در ایران اختلاف زیاد است زیرا نکاح منقطع تقریباً تمام آثار نکاح دائم را در بر دارد هم از نظر روابط بین طرفین و هم از لحاظ رابطه هر یک از آنان با فرزندان مشترک خود و حال اینکه «در شبه نکاح» فقط بعضی از آثار نکاح مشهود میشود ولی بین نکاح منقطع در ایران و «شبه نکاح» یا Concubinat (کنگو بینا) در رم مشابهت قابل توجهی دیده میشود بنا ب گفته پرفسور «کولینه» و پرفسور «ژیفار» شبه نکاح در واقع نوعی زناشویی است واقع بین زن و مردی که از نظر اهمیت اجتماعی در طول یکدیگرند ب عبارت دیگر «شبه نکاح» عقدی است مشروع ولی پست تر از نکاح دائمی.

مشابهت بین نکاح منقطع در ایران و «شبه نکاح» در حقوق رم بیشتر از این جهت است که هر دو نسبت بنکاح دائمی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته اند مثلاً میدانیم که اغلب «زنهای صیغه» یا زن مطلقه میباشند یا بیوه زن و در صورت دوشیزه بودن لااقل از لحاظ اهمیت اجتماعی در درجه پائین تر از شوهر خود قرار دارند و بهمین جهت در عمل میزان مهریه متعه که تر از مهر زن دائمی است و

طول مدت عده وی کوتاه تر میباشد
حق نفقه هم ندارد و حتی ارث نیز نمیبرد و بهمین جهات فرزندان متولد از نکاح منقطع مورد توجه نبوده در عرض سایر فرزندان قرار نمیگیرند.

اگر از یکطرف وجه مشابهتی بین «شبه نکاح» در حقوق رم و نکاح منقطع در حقوق ایران مشهود است از طرف دیگر اختلافاتی نیز بین آن دو موجود میباشد مثلاً بچه های متولد در نکاح منقطع مشروع هستند و با برادران و خواهران «عقدی» از ابوبن خود ارث میبرند و حال اینکه در «شبه نکاح» بچه ها حق ارث نداشته و سابقاً فقط از راه وصیت سهم می بردند و بعداً که در صورت فقدان وصیت هم حق ارث برای آنان قائل شدند این امر مشروط به نبودن اولاد از «زن دائمی» گردید

طبیعت حقوقی نکاح منقطع

نظر باختلافاتی که از لحاظ آثار حقوقی بین نکاح دائم و منقطع موجود میباشد طبیعت حقوقی آن مورد گفتگو و بحث فقهاء و مؤلفین قرار گرفته است آقای دکتر حسین طهرانی میگوید که «نکاح منقطع در واقع نوعی اجاره میباشد که در مورد بضع زن منعقد میگردد» - بنظر نگارنده شاید این عقیده در فقه اسلامی قابل قبول باشد ولی در حقوق ایران با رعایت وضعیت نکاح در عمل قبول آن مشکل بنظر می رسد.

گذشته از این غرض اساسی از هر نکاحی مشروع بودن اولاد میباشد و چون از این لحاظ فرقی بین عقد دائم و عقد منقطع نیست دلیل ندارد که این یکی را نکاح ندانیم - زناشویی حاصل شده از تحت قاعده قراردادن رابطه طبیعی تناسلی بین زن و مرد برای تسهیل ثبوت وابستگی پدر و مادر با فرزند بمنظور امکان اجبار ابوبن به تربیت اولاد خود غرض واقعی از مشروع دانستن نکاح دائم نیز همین است - بنا بر این چون نظر بالادر عقد منقطع کاملاً تامین شده از لحاظ طبیعت حقوقی بین

آن و نکاح دائم فرقی نخواهد بود این عقیده که علی-
الاصول صحیح است با اختلافات مهم موجود بین نکاح
دائم و منقطع مانعة الجمع نیست مثلاً گفتیم که در نکاح
منقطع زن و شوهر از هم دیگر ارث نمیبرند و حال اینکه
در نکاح دائمی حق توارث موجود است - بعلاوه زن
دائمی حق نفقه دارد ولی زن غیر دائم از آن محروم است .

با وجود فرقه‌های بالا باید دانست که عقد منقطع
از لحاظ طبیعت حقوقی نکاح واقعی است زیرا بطوریکه
گفتیم از نظر مشروع بودن فرزندان و تأمین رابطه
آنان با ابویین خود فرقی با نکاح دائم ندارد
دکتر دادوند

خسارت

(فانون مدنی فرانسه)

موقعی تقصیر ایجاد مسئولیت مدنی برای شخص
مینماید که خسارتی بدیگری در نتیجه آن وارد شده باشد
بندرت اتفاق می افتد که بدون تحمل خسارت شخصی
مطالبه جبران آنرا بنماید ممکن است ارتکاب تقصیر دیگری
که باعث خسارت شده و یا رابطه بین تقصیر دیگری و
خسارت وارده مبنی بر تصور و خیال باشد ولی غالباً تا کسی
خسارتی ندیده باشد اقدام بتقاضای جبران آن نمیکند
گاهی خسارت وارده مقدارش بقدری کم است که قابل
نیست در نظر گرفته شود و گاهی عوامل سنجش خسارت
طوریست که ثبوت آن غیر ممکن میباشد نفعی که شخص از
آن محروم شده مشروط بشرایطی بوده که سنجش و تفکیک
آنها بی نهایت مشکل است لیکن در صورتیکه وقوع خسارت
ثابت ولی میزان آنرا نتوان تعیین کرد محکومیت
بپرداخت خسارت اگر چه مبلغ آن یک فرانک هم تعیین شود
لازم است و مانند کیفر دارای تاثیر اخلاقی در افراد میباشد

نشود بصرف ارتکاب تقصیر و احتمال ورود خسارت دعوای
ضرر و زیان را نهمی پذیرند
خسارت آتی خسارتی است که هنوز حاصل نشده
ولی حصول آن در آتی نزدیک قطعی است لذا از زمان
حاضر میتوان دیاعت محکومیت بجبران آن کرد خسارت
آتی در این حال دنباله يك خسارت فعلی میباشد که تکرار
میشود و یا ادامه پیدا میکند مانند خسارت وارده در نتیجه
آسیب بدنی که سلب قدرت کار کردن از شخص شده
است و یا خسارتی است که وقوع یافته منتهی تعیین میزان
آن فعلاً مقدور نیست .

خسارت حال خسارت احتمالی

خسارت آتی

خسارت حال موقعی است که تقصیر بعمل آمده
و خسارتی بدیگری وارد شده و خاتمه یافته است
خسارت احتمالی موقعی است که تقصیر وقوع یافته
ولی وجود خسارت در حال یا آتی محقق نیست زیرا وجود
آن وابسته به عوامل و اتفاقاتی است که شاید اصلا صورت
نگیرند رویه قضائی فرانسه اینست که تا خسارت شروع

آتی بودن خسارت نتایج زیر را در بر دارد:
۱- در صورتیکه دادخواست ضرر و زیان بدادگاه
داده شده ولی میزان خسارت هنوز معین نیست دادگاه
خواننده را اصولاً محکوم به جبران خسارت مینماید منتهی
تعیین میزان آنرا محول بدادنامه مؤخری میکند و تصمیم
بعدهی موقعی گرفته خواهد شد که تعیین میزان خسارت
عملاً ممکن باشد .

۲- در صورتیکه خسارت آتی همان ادامه و تکرار
خسارت فعلی باشد دادگاه عملاً میتواند میزان خسارت
رانیز در دادنامه محکومیت خود تعیین کند بدین طریق
دیگر خواهان مجبور نیست دو یا چندین بار متوالی تقاضای
صدور دادنامه برای خسارات تکرار شده بنماید در مورد
اینگونه خسارات دادگاه میزان آنرا بطور اقساطی